

## آداب ازدواج در آذرشهر تبریز

دکتر حمید صبیری\*

بدون تردید فرهنگ میراث هزاران سال تلاش فکری، هنری، اجتماعی و اقتصادی انسانهاست که تجربه‌های تلخ و شیرینی را به همراه دارد. در طول تاریخ نیز هر نسل یافته‌ها و اندوخته‌ها و تجربیات خود را با شیوه‌های مختلف به نسلهای بعدی منتقل می‌نماید. فرهنگ چگونه زیستی را به نسلها می‌آموزد اندیشه‌ها و رفتارها را جهت روابط میان طبقات جوامع بشری را تنظیم می‌کند.

در این میان بخش عظیمی از این فرهنگ به فرهنگ عامه و باورهای اجتماعی اختصاص دارد که به صورت پشتوانه‌ای در زندگی انسان است و باعث همبستگی بین اقوام مختلف می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

\* دکترای علوم ارتباطات

بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مردم ریشه در تاریخ و تمدن ایران باستان دارد. با ورود اسلام پاره‌ای از این آداب از میان رفت و پاره‌ای دیگر، از آن رو که مبادی با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی نداشت، باقی ماند.

در این میان، بخش قابل توجهی از مولفه‌های موردنظر در شمار باورها و اعتقادات عامیانه مردم است. این عقاید از سویی نشان‌دهنده قدمت فرهنگی یک جامعه و از سوی دیگر گواهی بر وابستگی عمیق مردم به این باورهاست. یکی از این آداب و رسوم مربوط به ازدواج است که در نواحی مختلف کشور، با رعایت تشریفات خاص اعتقادی برگزار می‌شود. در نوشته زیر تلاش شده است تا با بهره‌گیری از فن مشاهده روایتی مختصر از متن برگزاری مراسم ازدواج در منطقه آذرشهر تبریز و یکی از توابع آن (ممقان) ارائه شود.

### آداب و رسوم ازدواج در میان مردم آذرشهر خواستگاری

در مراسم خواستگاری، اول زن‌ها به خواستگاری می‌روند. در بین خواستگاران، مادر پسر، مادر بزرگ، عمه و خاله او نیز باید حضور داشته باشند. معمولاً کسانی به خواستگاری می‌روند که گیس (گیسو، مو) سفید باشند و تعداد خواستگاران در مرحله اول از سه یا چهار نفر تجاوز نمی‌کند. از خانواده دختر نیز سه یا چهار مرتبه دعوت می‌شود. خانواده دختر سعی می‌کنند از خواستگاران به خوبی و به نحو احسن پذیرایی کنند. دختری که مورد خواستگاری قرار گرفته است، بیش از همه به مهمانان خدمت می‌کند و آوردن چایی و شیرینی و... برعهده اوست.

در این مراسم خانواده پسر هر کدام سعی می‌کنند به هر بهانه دختر را ببوسند تا در فرصت‌های مناسب پیش آمده سروروی دختر و موها و دست و پای او را نگاه کنند. پس از صرف چای نیز موضوع مطرح می‌شود و پس از اعلام موافقت خانواده دختر، قرارها را می‌گذارند تا مردان دو خانواده با هم دیدار و تبادل نظر کنند. روز موعود،

مردان که اغلب از بزرگان و ریش سفیدان خانواده پسر از جمله پدر بزرگ، عموها و دایی‌ها هستند، قبل از رفتن به خانه دختر حرف‌های خود را یکی می‌کنند و بعد عازم خانه دختر می‌شوند. در منزل دختر زمانی که زمینه فراهم شد، یکی از بزرگان سر صحبت را باز می‌کند. بعد مطالب لازم رد و بدل می‌شود و در نهایت، موضوع مهریه و زمان عقد مطرح می‌گردد. در پایان مراسم نیز نباتی را که خانواده داماد همراه خود برده‌اند، از سوی بزرگ خانواده شکسته می‌شود و هر نفر تکه‌ای از آن را می‌خورند. اگر قرار باشد مراسم عروسی به زودی انجام شود برای نامزد کردن دختر چند روز از خانه پسر انگشتری، طاقه شال، شیرینی و میوه به خانه دختر می‌آورند و با این کار مراسم نامزدی رسمیت می‌یابد.

### مراسم عقد

روز عقد، زن‌ها در یک اتاق و مردها در اتاق دیگر جمع می‌شوند و یک نفر روحانی پس از اینکه از سوی دختر و پسر وکالت گرفت، صیغه عقد را جاری می‌سازد. بنا به قاعده معمول، دختر تا بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مردم ریشه در تاریخ و تمدن ایران باستان دارد. با ورود اسلام پاره‌ای از این آداب از میان رفت و پاره‌ای دیگر، از آن رو که مابینتی با مفاهیم و ارزش‌های اسلامی نداشت، باقی ماند.

بعد از بله گویان، اشیاء و هدایایی را که از خانه پسر به مجلس عقد آورده‌اند، به خانواده دختر تحویل می‌دهند و بعد از امضای نامه، جشن آغاز می‌شود و حاضران با کف زدن و فرستادن صلوات به شادی و شادمانی می‌پردازند. خانم‌ها دایره می‌زنند و با گفتن مبارک باد، جشن و سرور و شادی به اوج خود می‌رسد. در آذرشهر به این مراسم

«انگشتر انداختن» می‌گویند که مادر پسر، انگشتری را به انگشت عروس خانم می‌اندازد.

### هدایای دوران نامزدی

در منطقه آذرشهر، اگر فاصله بین عروسی و نامزدی زیاد باشد و در این مدت مصادف با روز عیدی شود، از جمله عید قربان، غدیر، فطر، نیمه شعبان و... به مناسبت آن عید هدایایی از سوی خانواده پسر به خانه دختر فرستاده می‌شود. در ضمن نوبرانه، یعنی انواعی از میوه‌های فصل را هم می‌فرستند.

در شب یلدا و شب چهارشنبه سوری نیز این رسم معمول است. در شب یلدا که شب چله می‌گویند، خانواده پسر هندوانه، آجیل، شیرینی، طاقه پارچه و میوه به خانه دختر می‌فرستند و در چهارشنبه سوری که مصادف با آخرین چهارشنبه سال است، پارچه و شیرینی و میوه هدیه می‌دهند.

در عید قربان نیز به خانه دختر هدایایی می‌فرستند و به ویژه اگر از خانواده پسر کسی به سفر حج یا به عتبات عالیات مشرف شود، سوغاتی مخصوص برای عروس و خانواده او می‌آورند.

### بردن جهیزیه

قبل از بردن عروس به خانه داماد، اطاق عروس تزئین می‌شود و آماده می‌گردد. برای تهیه جهیزیه تمام فامیل دختر همیاری می‌کنند و تهیه هر یک از اجناس موردنیاز از جمله یخچال، اجاق گاز، فرش، ماشین لباسشویی، تلویزیون، مبل و صندلی و... را هر یک از اقوام به عهده می‌گیرند و می‌خرند. زمانی که وسایل و جهیزیه خریداری و آماده شد، اگر مسیر منزل عروس و داماد نزدیک باشد، وسایل را جوانان فامیل به خانه عروس می‌برند و این مراسم بسیار دیدنی است؛ چرا که هر یک از جوانان که یکی از وسایل را به دست می‌گیرد و به منزل داماد می‌برد، در بین راه با آوازی مخصوص این

مراسم را اعلام می‌کند؛ حابی یا الله هدی / حابی یا الله هدی و اگر مسیر طولانی باشد، وسایل با وانت بار به منزل آقاداماد حمل می‌شود. وقتی وسایل را به منزل پسر بردند، از سوی خانواده داماد به جوانان خلعت می‌دهند. در بعضی از مناطق آذرشهر یکی از افراد خانواده دختر یک وسیله از منزل داماد یا گلدانی گل برمی‌دارد و با خود می‌برد. پس از بردن وسایل و جهیزیه، مراسم بردن عروس برگزار می‌شود.

### بردن عروس

روزی که قرار است عروس را به خانه داماد ببرند، مهمانی مفصلی در خانه عروس برگزار می‌شود و شیرینی آن روز را خانواده داماد تهیه می‌کند و می‌فرستد. شب هنگام داماد به اتفاق عده‌ای برای بردن عروس خانم به منزل دختر می‌روند و با اتومبیلی که با گل تزئین کرده‌اند، همراه با آینه و شمعدان، عروس خانم را سوار ماشین می‌کنند و به سمت منزل داماد می‌روند. در این میان یکی از پسر بچه‌های خانواده پسر (داماد) شالی را به کمر عروس می‌بندد و هدیه‌ای هم از خانواده عروس دریافت می‌کند. همراه عروس مشاطه نیز هست. کار مشاطه مواظبت و آموزش عروس است. عروس به منزل داماد برده می‌شود و شب زفاف برگزار می‌گردد. می‌گویند:

شب زفاف کم از پادشاهی نیست      به شرط آنکه پسر را پدر کند داماد  
از فامیل دختر نیز چند نفر در منزل داماد می‌مانند تا خبر خوش را به خانواده ببرند  
و از سلامت عروس خاطر جمع باشند. به آنها در اصطلاح ینگه می‌گویند. در شب  
زفاف (عروس) عده‌ای عاشیق دعوت می‌کنند و تا پاسی از شب به شادی و نشاط  
می‌پردازند.

### مراسم دواخ قاپبا

فردای شب زفاف، مراسم دواخ قاپبا (dâvâx Gâpbâ) برگزار می‌شود. این رسم در منزل داماد صورت می‌گیرد و از خانواده عروس هم مهمان دعوت می‌کنند. در این

مراسم که با شادی و شادمانی انجام می‌شود، هر یک از مهمانان به فراخور حالشان هدیه و کادویی می‌آورند و در مقابل، با چایی و شیرینی و شربت از آنها پذیرایی می‌شود.

زمانی که عروس یک بار دیگر با لباس عروس در مراسم حضور می‌یابد، مراسم به اوج شکوه و شادی می‌رسد. در این روز از منزل عروس، چندین سینی غذا و میوه و شیرینی به منزل داماد می‌فرستند که به آن خونچا می‌گویند.

مراسم عقد و عروسی و ازدواج در منطقه ممقان از بخش‌های آذرشهر نیز با آداب و رسوم خاصی برگزار می‌شود که به شرح زیر است:

### مراسم ازدواج در منطقه ممقان

در زمان‌های نه چندان دور، انتخاب عروس و داماد از سوی والدین صورت می‌گرفت و داماد و عروس هیچ‌گونه اظهارنظری نمی‌کردند و در صورت رضایت پدر و مادر آنها به اجبار تن به ازدواج می‌دادند؛ ولی امروزه این رسم همانند خیلی از رسوم دیگر دچار تحول و دگرگونی شده است. امروزه زمانی که پسری قصد ازدواج دارد، چند دختر را به او معرفی می‌کنند و او یکی از آنها را برمی‌گزیند. البته در محیط‌های کوچک، به دلیل شناخت کافی، انتخاب آسان‌تر است، با این همه هم خانواده پسر و هم خود پسر، سعی می‌کنند قبلاً به طور غیرمستقیم دختر را ببینند. برای این کار خانواده پسر به بهانه‌های مختلف به در خانه دختر می‌روند و اگر دختر را ببینند و پسندند، به خانه برمی‌گردند و به طریقی دختر را به پسر هم نشان می‌دهند که اگر این کار صورت بگیرد و پسر هم او را پسندد، برای بار دوم برای خواستگاری می‌روند و مسئله را مطرح می‌کنند.

خانواده دختر هم در صورت رضایت دختر، فرصت کافی می‌خواهند تا با بزرگترها مشورت و تحقیق کنند. بعد از اتمام زمان مهلت داده شده، خانواده پسر برای گرفتن جواب می‌روند و در صورت رضایت خانواده دختر، شبی را تعیین می‌کنند تا خانواده

داماد به همراه پسرشان به خانه دختر بروند و در آنجا همدیگر را ببینند و اگر مطلبی داشته باشند با هم در میان بگذارند و اگر دو طرف یکدیگر را پسندیدند، با شیرینی‌ای که خانواده پسر می‌آورد، دهان همه را شیرین می‌کنند و یک حلقه انگشتر هم در خانه دختر می‌گذارند و خانواده دختر هم با چای و میوه از میهمانان پذیرایی می‌کند.

در همان جلسه، دو خانواده قول و قرار مهریه را، که در اصطلاح «کین دانیش ماخ» می‌گویند، می‌گذارند و شبی را هم برای برگزاری مراسم رسمی آشنایی مشخص می‌سازند و خانواده دختر و پسر برای آن شب مهمانانی از فامیل خودشان دعوت می‌کنند. خانواده دختر بعد از خوردن شام، منتظر ورود فامیل و آشنایان پسر می‌شوند که این انتظار زود به سر می‌رسد و خانواده پسر با دستانی پر، از جمله: چندین سینی (خونچا) Xunčâ شیرینی، میوه، نبات گرد، چند کله قند، گل، هدیه‌ای برای عروس (معمولاً انگشتر)، یک جلد کلام‌الله مجید و یک آینه داخل می‌شوند و کنار اتاق می‌چینند و دو فامیل با یکدیگر با محبت دست می‌دهند و آشنا می‌شوند و به همدیگر مبارک باد می‌گویند.

بعد از صحبت‌های معمولی، یکی از بزرگان فامیل پسر شروع به صحبت می‌کند و با نام خدا و صلوات بر پیامبر و ائمه اطهار این کار خیر را تبریک می‌گوید و برای خوشبختی عروس و داماد دعا می‌کند و مسئله مهریه را مطرح می‌سازد و از خانواده دختر نیز یکی از بزرگان ضمن خوشامدگویی، مبلغی به عنوان مهریه پیشنهاد می‌کند. البته در مبلغ مهریه، آخرین ازدواجی که در فامیل یا آشنایان بوده است، ملاک قرار می‌گیرد. با این توافق، از خونچه‌هایی که آورده‌اند، به تمام افراد اعم از کوچک و بزرگ یک بسته می‌دهند و در آن مجلس تاریخ مراسم عقد را هم تعیین می‌کنند و بعد از اجرای این مراسم که با قرائت صیغه محرمیت همراه است، دختر و پسر به یکدیگر محرم شده و دوران نامزدی شروع می‌گردد. دوران نامزدی که مدت آن به نظر خانواده داماد بستگی دارد، از یک ماه تا حداکثر سه سال طول می‌کشد.

تعیین روز عروسی با تصمیم خانواده داماد است. یک هفته مانده به عروسی، مراسم خرید لباس و وسایل لازم برای عروس و داماد که به آن «بازار لیق» (bâzâr liq) می‌گویند، انجام می‌شود که طی آن عروس و داماد به همراه چند نفر از فامیل طرفین به بازار می‌روند و هر خانواده برای عروس و داماد وسایل لازم را تهیه می‌کنند و آن را به خانه خود می‌برند؛ یعنی لوازمی را که داماد برای عروس خریده به خانه داماد و وسایلی را که عروس برای داماد خریده است، به خانه عروس می‌برند. بعد از چند روز مراسمی به عنوان «صندوق گورمه» (Sânduq gurma) در خانه داماد برگزار می‌شود و دختران و خانم‌های فامیل به این مراسم، که زمان آن بعد از ظهر است، دعوت می‌شوند و بعد از جشن و شادمانی تمامی وسایل و لوازمی را که برای عروس خریداری شده است، یک به یک به همه نشان می‌دهند و آنها را برای بردن به خانه عروس در صندوق می‌گذارند و صندوق را یکی از پسران یا مردان - ترجیحاً برادر داماد - به همراه افراد دعوت شده، به خانه عروس می‌برند و انعامی از مادر عروس می‌گیرند. در آنجا نیز افرادی که به خانه عروس دعوت شده‌اند، به همراه شادی و پخش شیرینی و نقل وسایل و لوازم را یک به یک نشان می‌دهند. این مراسم عصر پایان می‌یابد.

در زمان‌های نه چندان دور،  
انتخاب عروس و داماد از  
سوی والدین صورت  
می‌گرفت و داماد و عروس  
هیچ‌گونه اظهار نظری  
نمی‌کردند و در صورت  
رضایت پدر و مادر آنها به  
اجبار تن به ازدواج می‌دادند

بعد از دو روز نیز مراسمی با عنوان «پالتاز بی‌شماخ» (pâltâz bišmâx) برگزار می‌شود که طی آن پنج یا شش نفر از سوی خانواده عروس دعوت می‌شوند تا پارچه‌هایی را که باید دوخته شوند، ببرند و بدوزند و آنها را برای چند روز آینده آماده کنند.

بعد از چند روز، مراسم جشن شروع می‌شود. در آن روز، با درخواست خانواده عروس، یک رأس گوسفند با یک گونی برنج و یک حلب روغن نباتی از سوی خانواده



داماد فرستاده می‌شود. همچنین از طرف خانواده عروس بیست تا سی نفر مرد به خانه داماد و از طرف خانواده داماد هم همین تعداد زن به خانه عروس دعوت می‌شوند که اینها را در اصطلاح «ینگه» می‌گویند و در هر دو خانه مراسم جشن و سرور برپا می‌شود. بعد از صرف شام و چند ساعت جشن و شادمانی نوبت به مراسم روشن کردن شمع می‌رسد. برای این کار عروس را آماده و سه عدد شمع روشن می‌کنند. یک نفر در سمت راست به نام «ساقدوش» و یک نفر در طرف چپ عروس به نام «سوئلدوش» (sulduš) می‌ایستد و شمع‌ها را نگه می‌دارد و اینها به نوبت عوض می‌شوند و اکثراً نیز با گذاشتن پول روی سر عروس شمع را تحویل می‌گیرند. عده‌ای هم در قالب شعر، به تعریف و تمجید عروس می‌پردازند که به آنها «اُخْشَا مَآخْ» (oxšâmâx) می‌گویند. بعد دستمالی روی سر عروس می‌اندازند و شمع‌ها را بعد از دعا و ذکر خوشبختی روی سر عروس خاموش می‌کنند. بعد پدر داماد را می‌آورند و او یک دستمال یا یک شال را که بایستی آن را سه بار از بالای سر عروس تا زیرپایش حرکت دهد، دورکمر او می‌بندد و دعا می‌کند و از خدا هفت پسر و یک دختر برای عروسش آرزو می‌کند.

در این هنگام عروس دستش را به عنوان اینکه انعامی از پدرشوهرش بگیرد، بالای سر خود می‌گذارد و پدرداماد نیز انعامی به او می‌دهد و عروس آماده رفتن به خانه داماد می‌شود و البته شبیه همین مراسم، یعنی جشن و شادی، گرفتن شمع و تعریف و تمجید داماد در منزل او نیز برگزار می‌شود. فردای آن شب نیز مراسمی به نام «بَنده تاخْت» (bande tâxt) در منزل داماد برپا می‌گردد و عده‌ای از دختران و زنان برای نهار دعوت می‌شوند و بعد از نهار تا عصر به جشن و شادمانی می‌پردازند.

یک روز بعد، خانواده داماد، عروس را برای دیدن پدر و مادرش به اصطلاح «گوروش» (guraš) می‌برند و داماد نیز هدایایی به مادرزن و پدرزن خود می‌دهد و از طرف خانواده عروس نیز هدیه گران‌قیمتی که معمولاً لوازم خانه است، به عروس و داماد هدیه می‌شود. چند روز بعد خانواده عروس، خانواده داماد و بزرگان فامیل را برای شام دعوت می‌کنند. این مهمانی‌ها طی چند روز هر شب بعد از شام از سوی یکی

از بزرگان فامیل عروس و داماد برپا می‌شود و طی آن هر کدام هدایایی به عروس و داماد می‌دهند و به این ترتیب مراسم عروسی به پایان می‌رسد. البته برنامه بردن جهیزیه معمولاً یک روز قبل از عروسی از سوی فامیل داماد انجام می‌گیرد و چند نفر از زنان خانواده عروس، برای چیدن وسایل و آماده کردن خانه داماد، همراه آنان می‌روند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی